



بنام کردستان بزرگ

Under Name of Great Kurdistan

دوستان عیب کنندم که چرا دل به تودادم!  
باید اول به توگفتن که چنین خوب چرائی؟

\*\*\*\*

کتاب کرد و کردستان

نویسنده : واسیلی نیکیتین

قونسول روسیه در ارومیه

1915 - 1918

عضوانجمن آسیایی وانجمن نژاد شناسی پاریس

عضو دائمی موسسه بین المللی مردمشناسی و

عضو وابسته آکادمی سیاسی - بین المللی.

\*\*\*\*

مترجم : محمد قاضی

1363

گودآورنده

سرهنک چیا

فصل یازدهم

زندگی معنوی کردها- مذهب

ه) یافتی بودن کردها.

آیین ما پرستی ما را به محیط یافتیها باز می آورد. استرابون. توضیح : (( Strabon

جغرافی دان پونانی ( حدود 58 پیش از میلاد - 21 تا 25 میلادی)). مولف

... از پرستش خدای ماه در مرزهای ایبری. توضیح ( Iberie ) شبه جزیره ای است اروپا شامل کشورهای اسپانیا و پرتغال فعلی است )) مترجم.

... سخن گفته است از آن آیین در ارمنستان نیز نشانه هایی یافته اند. به هر حال یزیدیها که پرستنده خدایی به نام چلب بوده اند طبعاً می توانسته اند نام چلبی بر خود بگذارند. اکنون در اینجا برویم بر سر مترادفهای احتمالی این واژه در نزد پاولیسیها و اوشیتها و بوگومیلها که روباتشان را با آیین یزیدی دیدیم، لیکن این را نیز بگوئیم که در نام طریقت علی الهی نیز که با آیین یزیدی خویشاوندی دارد و از دو کلمه ترکیب شده است کلمه دوم آن ممکن است ترجمهء عربی همان واژه چلب باشد. در این باره جالب است اشاره کنیم که در مذهب علی الهی ها، بنا به تحقیق پروفیسور و. ژوکوفسکی، در ردیف اول خدای خونده کر Khevendekor قرار دارد و آن همان نام مشتق از واژه " خدا"ی فارسی است. و نیز تذکر این نکته مهم است که به گفته ژوکوفسکی در آیین علی الهی های " واقعی" یا در میان نسیری Nosairi های سوریه خود علی خدا است. این تفسیر بر فکر پروفیسور مار در مورد نام فعلی پیروان یزیدی قویا تاثیر گذاشته است. به نظر او واژه یزیدی، با آن یای نسبتش، بطور قطع و یقین شکل کردی مشتق از واژه یزید است که صورت کهنه ای از املائی ایزد واژه فارسی، به معنی خدا است. خلاصه در واژه یزیدی، و به همین ترتیب در ایزدی، ما با یک واژه ایرانی مواجهیم که جای واژه یافثی چلبی را گرفته است توضیح: (( ما اینجا ناگزیریم از ذکر دلایل عرضه شده توسط مار در اثبات صحت این استدلال صرف نظر کنیم. با این وصف متذکر می شویم که ت. منزل در مقالهء خود تحت عنوان یزیدی در دایره المعارف اسلامی، می نویسد؛ نام یزیدی که خود یزیدیها فکر می کنند تازه است ظاهراً نه ربطی به یزیدبن معاویه دارد و نه یزیدبن انیسه ... به احتمال قریب به یقین از واژه فارسی جدید ایزد مشتق است ک " مطرب دوره گرد" است. به معنی " خدا" است)). ( مولف ) ... در میان ترکان، این واژه در محیطهای معین درویشی، خود را حفظ کرده است و در ارمنستان نیز هنوز یافت می شود. چلبی در زبان کردی معنای خاصی را در خود حفظ کرده است که " مطرب دوره گرد" است. همین واژه در آن واحد به معنای نجیب زاده است و هم به معنای مطرب دوره گرد، و مترادف آن واژه کردی بگزاده است ( رجوع شود به فصل فصل ششم ) که هم به معنای " پسر بیگ" یا خان است و هم " کولی دوره گرد و آواز خوان و رقص". خفت " دوره گرد" یا " ولگرد" که در اینجا می بینیم ما را به محیط درویشان، که نقطه های مشترک آن با یزیدی در بالا اشاره کردیم، باز می

آورد. و باز، بسیار جالب توجه است که در این باره متذکر شویم واژه **چلبی** به معنای مطرب و لگردد یا دوره گرد ممکن است مشتق از واژه **چلب** "آلت موسیقی" باشد که در زبان فارسی به دو صفحه مسی (**یا برنجی**) گویند که بر هم می کوبند (**سنج**) و به معنای "شور و غوغا و سر صدا" و غیره نیز هست. برای این واژه های ایرانی، تا آنجا که به واژه عربی **چلب** مربوط نباشد، طبیعی تر این است که توضیح راجع به معنای آنها را در "محافل مذهبی" منعقد به افتخار **چلب** یعنی خدای بت پرستان جسجو کرد. از طرفی، **پروفیسور ژوکوفسکی** در مورد آیین علی - الهی ها از مجالس تجمع و قربانیها و آواز همراه با ساز و کف زدن سخن میگوید. **مار** امیدوار است که اگر در دنباله این تحقیقات به اثبات این مسئله برسیم که **چلب** مخصوصا خدایی تابنال و ماه غیره بوده است آن وقت بکار بردن **سنج** و ساز در این آیین معنای خاصی پیدا خواهد کرد.

(و) واژه های "**چلبی**" و "**یزیدی**" مترادفند.

**پروفیسور مار** برای تائید و تسجیل نظریه خود دایر بر اینکه واژه **چلبی** را ترکان از کردان به عاریت گرفته اند و این واژه در نزد ایشان با پیدا کردن معانی مختلف غنی شده است تنها یک کار باقی دارند، و آن اینکه به تحقیق در باره قبیله ای بپردازند که این واژه در میان آنان معانی "**نجیب زاده، نیک نژاد و غیره**" را هم پیدا کرده است. **ومار** این کار را در آخرین مرحله انجام داده است. او بدین منظور نخست متذکر می گردد که معنایی که بطور کلی به واژه **یزیدی** نسبت داده شده از تفسیر کشدار آن به دست می آید. ضمنا در واقع، صحبت در اینجا بر سر آیین در مجموع آن نیست، بلکه موضوع قبیله ای مطرح است که خود را از اعقاب **یزید** میداند. نند و شیخها و روسای روحانی را برای رهبری این جامعه مذهبی میپروراند. این قبیله برتر نیز به نوبه خود از میان یک طبقه ممتاز و برگزیده انتخاب شده است به قول **فه ور Febvre**، عشایر کردی که پیرو آیین **یزیدی** هستند به دو طبقه تقسیم می شوند: یک طبقه سیاه پوشند و طبقه دیگر سفید پوش. **توضیح: ((روژه لسکو))** در کتاب سابق الذکر) میگوید که سیاه رنگ اختصاصی طایفه ای است به نام فقیران، که نوعی ملای هستند و جزو روحانیون هم نیستند)). **(مولف)** ... طبقه اول برگزیده و صاحب امتیاز شمرده می شوند، و هم او است که روحانیون از میانش بیرون می آیند. بدیهی است این طایفه که نظارت عالی بر آیین مورد پیروی عامه دارد در چشم دیگران از احترام

خاص نجبا برخوردار است. این حرمت به مرور زمان بجز اینکه زیاد بشود تغییری نمیکرد. درملتی که سازمان خالصا عشیرتی دارد این هالهء تقدیس هیچگاه، حتی پس از تغییر مذهب نیز در معرض این خطر قرار نمی گرفت که رو به نزول برود.

دلیل بر این مدعا در واقع همان است که ما درکردهای مسلمان میبینیم که در شرا- و اوضاع واحوال زندگی مذهبی جدیدشان نیز از دل بستگی به قدرت سنتی این قبایل حاکم دست برنداشته اند. در میان عربها نیز مثالی بر این قضیه در دست است و آن قبیلهء قریش است که در دوران بت پرستی بر قبایل دیگر مسلط بود و مدتها پس از اسلام آوردن نیز این امتیاز را حفظ کرد.

در میان کردان این قبیله صاحب امتیاز سابقا بایستی به نام **چلبی** موسوم بوده باشد نه به نام **یزیدی**، و همین خود کلید این رمز را به دست می دهد که چرا واژه **چلبی** دارای معانی "شاهزاده، آقازاده و نجیب زاده" نیز بوده است. همه میدانند که تا به امروز ساختار اجتماعی یزیدیان بر مبنای اصول حکومت روحانیت استوار است، و ملت به چند طایفهء محدود ایجاد شده به وسیلهء مذهب تقسیم شده است.

**توضیح:** (( رجوع شود به **اگیزاروف** در مقدمهء نوشته بر مستخرج از یاداشتهای **م. سیوفی** **M.Siouffi** در **بارهء یزیدیان**. ) چاپ شرکت جغرافیایی شعبهء قفقاز، تفلیس 1891، شماره 13، بخش دوم، صفحات 264-266). جزئیات مختصر از همان مولف در تحقیق مختصر نژادی و قضایی در **بارهء یزیدیان**، ایضا صفحات 194 و بعد از آن، و 200 و بعد از آن.)) **مولف**.

یزیدیان خودشان به خالص بودن خون و اصل و نسب اعیان اشرافشان بسیار می با- لند. **توضیح:** (( رجوع شود به **شابو Chabot**، در رسالهء مختصری راجع به یزیدیان، منتشر در **J.A 1896** از روی یک تاریخ سوری: " در میان ما، امیر، بی هیچگونه اختلاط نژادی، همیشه امیر زاده است، شیخ شیخ زاده، خواجه خواجه زاده، و غیره، برخلاف مسیحیان و اسماعلیان که در تعیین و انتصاب کشیشان و ملایان خود اصل و نسب را در نظر نمی گیرند ".

... این راست که ما تا اینجا هیچ طایفه یا طبقه ای را در میان کردان نیافته ام که نامش **چلبی** باشد، لیکن متاسفانه همان گونه که **کاترمر** گفته است. **توضیح** (( رسالهء

مختصر دربارهء کردان صفحهء 59. در عینحال، به **اوسکارمان** هم رجوع شود، در جلد دوم، صفحه 191 کتابش، تحت عنوان " **ریشهء چلبی**" درحول و حوش اردبیل، و بنابراین ریشهء ان ترکی است نه کردی " **و.ن**... " نامهای عشایر کرد طغییرات زیادی پیدا می کند " ( رجوع شود به

**فصل ششم**.)

و اما در **بارهء معنای واژهء چلبی** به مفهوم ارباب و صاحبخانه، که در زبان ترکی

نیز این معنی را به آن می‌دهند، طایفه بوگزیده و ممتاز، در آغاز، نظر به موقعیتی که داشت می‌توانست نقش مالک و صاحب را به اعلی درجه بازی کند، و همین خود توجیه کننده ارتباط مورد بحث است. از همان معانی اولیه آقازاده و نجیب زاده (جنتلمن)، آنگونه که در همه جا مشاهده می‌شود معنای تبعی دیگری از قبیل 1 نجیب زاده و شرافتمند، 2- مودب و آداب دان، 3- لطیف و ملیح، 4- تربیت شده و با سواد به دست می‌آید. در باره وصف اخیر جا دارد که نکته ای ذکر شود.

تعلیم و تربیت به مفهوم سواد آموزی، هر چند که به مرور زمان کاملاً از بین رفته، لیکن در میان کردهای پیرو آیین یزیدی وجود داشته است. جهانگردان از اطلاعاتی در باره وجود کتاب مقدس، توضیح: (( این کتابها عبارتند از کتاب الجلوه و مصحف رش ( کتاب سیاه). "سیاه" ظاهراً متضمن معنای "سزاوار و پرستش" هم هست. ت. منزل در مورد این کتابها بسیار تردید نشان می‌دهد، زیرا به عربی نوشته شده اند، و حال آنکه زبان آن آیین منحصرآ زبان توده پیرو آن یعنی کردی است. معهداً، من از جزوه مسئله خوی بون کردی، شماره 6، صفحه 13، یادداشت 2، نقل می‌کنم که "کتاب مقدس آیین یزیدی به زبان کردی است... همه مراسم مربوط به شیخ عدی نیز... به کردی اجرا می‌شود چنانکه همه دعاها و نماها امروز هم در میان کردهای بوتانی به زبان کردی ادا میشود. مقدسترین سوگند هم، برای مسلمانان یا یزیدی کرد این است: مصحف رش قه ول جزیره ده (یعنی: قسم به کتاب سیاه که در خرابه های جزیره گم شد) و. ن... در میان کردان یزیدی به نام: فرقال Fourkal خبر میدهند. یک شیخ یزیدی در حوالی نینوای قدیم، در 1842، به گرانت مبلغ مذهبی امریکایی

می‌گفت که در نژاد ایشان سواد آموزی تنها حق یک طایفه ممتاز و شناخته شده است و بجز اعضای آن طایفه کسی خواندن و نوشتن نمی‌آموزد. بعید نیست که سواد آموزی و تحصیل علم و ادب نیز از امتیازات موروثی همان طایفه چلبی بوده و ارتقاء آن طایفه به داشتن انحصار نقشی که در رهبری آیین بازی می‌کرده مرهون همان امتیاز باشد. و بالاخره با اشاره ای نزدیک به تنز به این نتیجه می‌رسیم که واژه نجیب زاد (جنتلمن) به معنای ارباب کوچولو و شیک پوش نیز گرفته شود نسبت دادن این معنی به واژه چلبی را در یک آواز عامیانه ترکی و همچنین در محاوره عامیانه عربی سوری نیز می‌توان یافت. حلبی چلبی، شامی شومی، مصری حرامی. (یعنی: حلبی لطیف و ظریف، شامی (دمشق) شوم، مصری دزد).

باری، پس از گشت زدن در همه معنایهایی که در حال حاضر به واژه چلبی نسبت داده می‌شود - واژه ای که سابقاً کردی بوده و جنبه تقدس و مذهبی داشته، و بعداً

به زبان ترکی انتقال یافته است - مار در تایید نظریه خود چنین نتیجه گیری می کند:

" بنا بر آنچه از ظواهر پیدا است، این واژه در بطن خود حاوی تاریخ ملت کرد است لیکن به دلیل فقدان منابع کتبی مستقیم ناگزیریم ایمن تاریخ را به شیوه " فسیل شناسی" به وسیله مطالعه آثار باستانی و بقایای مانده در پدیده های خالصا تو- ده ایی مربوط به زبان و مذهب عهد قدیم که در آن آثار منعکس اند و هنوز در آن زنده اند از نو بسازیم".

پروفسور مار که میداند نظریه اش در باره شاخه بافتی بودن زبانها وسیله دا ورن به صلاحیت یا کلا جاهم تحریف شده است پیش بینی میکند که: " هر گاه راه حل پیشنهادی مورد قبول واقع نشود تنها یک راه برای من باقی میماند و آن اینکه قویا به اصل مسلم زیل بچسبم: مسایلی مربوط به تاریخ و فرهنگی وجود دارد که هم مسئله چلبی و هم پاولیسی بیزانس و درویشی قونیه جزو آن هستند، مسایلی که در عین حال حل آنها نمی توان انتظار نتایج متقنی را داشت مگر اینکه جوینده پیش از هر چیز معلومات مربوط به زندگی توده های مجاور منطقه را بدون استثناء، و همچنین آثار قدیم و هنوز زنده محلی و کثرت مصالح نژادی و لهجه ای موجود را ولو مخالف با روایات تاریخی کتابی باشند، در نظر بگیرند."

ما به سهم خود اجرای طریقه تحقیقی را که دانشمند روسی طرح ریخته است - دانشمندی که با کمال جسارت همه عقاید علمی در باره زبان شناسی را زیر پا گذاشته است - جالب می پنداریم. خلاصه ای که ما از تحقیق مار به دست داده ایم نه برای آن بوده است که موضعی به منظور مشاجره با او بگیریم، چون این امر از صلاحیت شخص ما خارج است، بلکه بدین منظور است که خواننده را با بعضی رویه های تفسیر در زبان شناسی آشنا کنیم، علاوه بر این، آوردن آن خلاصه در اینجا بسیار بجا است زیرا آنچه را که ما راجع به آیین یزیدی و غنای حیات معنوی ملت کرد گفته ایم، و احیانا متخصصان بسیار نادری به آن پرداخته اند، به نحو جالب توجهی تکمیل می کند. توضیح (( اینک چند اثر مربوط به آیین یزیدی: ژی. کامپانیل. او. پ. تاریخ منطقه کردستان و مذاهب موجود در آن، چاپ 1818 ناپل. عباس عزوبی (؟) Azzaoui، تاریخ الیزیدیه و اصل عقیدتهم، چاپ 1935 بغداد. اسمعیل بیگ چل chol الیزیدیه و حدیثا، چاپ 1934 بیروت.

7. اهل حق . . . . ادامه دارد

[Chia.rabii@yahoo.com](mailto:Chia.rabii@yahoo.com).

2010-08-14

مالمو سوئید